

راهکارهای عبور از فشارهای ارزی با اتکا به ظرفیت‌های منطقه‌ای و انضباط بودجه‌ای

# جنگ تاب‌آوری؛ اقتصاد ایران در ایستگاه تصمیم‌های بزرگ



**مهساناطقی** | در میان چالش‌های متعدد اقتصادی و بانکی در صحنه بین‌المللی از اثرات بسته‌شدن تنگه هرمز و مسائلی که در داخل کشور از ابتدای جنگ از سر گذرانندیم که از بحران‌های ساختاری ناشی از سیاست‌های قدیمی بازتاب داشته است، نیاز به نگاهی مستقل و استنتاجی برای ایجاد تصویری کلان از اقتصاد در این روزها احساس می‌شود. نگاهی که بتواند تفاوت ایران به عنوان زمامدار تنگه هرمز با دیگر کشورهای جهان که این روزها گلوگاه انرژی کشورشان به مخاطره افتاده است را با دید تخصصی تفسیر کند.

محمد مهدی بنی طبا، معاون دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با قدس از تفاوت ایران و سایر کشورها در ۸۰ روز جنگ رمضان می‌گوید. او با تکیه بر اصول تاب‌آوری و ضرورت گفت‌وگوی شفاف با مردم، تصویری از جنگ اقتصادی ارائه می‌دهد که با اصلاحات عمیق و همراهی عمومی می‌توانیم از آن عبور کنیم.

**فشار بر نفت و بازارهای مالی در جنگ تاب‌آوری**

بنی طبا با تشریح آخرین وضعیت جنگ تحمیلی و پیامدهای اقتصادی آن، تأکید می‌کند اگرچه ایران از نظر جغرافیایی امکان آسیب‌زدن فیزیکی به اقتصاد آمریکا را ندارد، اما فرصت ضربه به بازارهای مالی دشمن کاملاً در دسترس قرار گرفته است. فرصتی که به گفته او حتی کارآمدتر از ضربه به بخش واقعی اقتصادی به بزرگی آمریکا است. او با اشاره به گذشت حدود ۸۰ روز از آغاز جنگ و کنترل هوشمند تنگه هرمز می‌گوید: فشارهای سنگینی بر اقتصاد آمریکا، اروپا و سایر کشورهای هم‌پیمان آن‌ها وارد شده است.

معاون دفتر مرکز پژوهش‌های اقتصادی مجلس توضیح می‌دهد: با وجود آزادسازی ذخایر استراتژیک آمریکا و کاهش واردات نفت چین، قیمت جهانی نفت همچنان در کانال ۱۰۰ تا ۱۱۰ دلار قرار دارد و در صورت پایان امکان برداشت از ذخایر، احتمال جهش آن تا ۱۴۰ دلار یا بالاتر وجود دارد؛ موضوعی که به‌طور مستقیم هزینه زندگی در آمریکا را بالا برده و از مسیر قیمت‌بزنن تا شاخص‌های تورمی، اقتصاد این کشور را تحت فشار قرار داده است. او به انتشار داده‌های تورم اوپیل اشاره می‌کند که نشان می‌دهد نرخ تورم مصرف‌کننده (۳/۸ درصد) و تولیدکننده (۶ درصد) فراتر از پیش‌بینی‌ها بوده و روند صعودی شاخص تولیدکننده، هشداری برای ادامه افزایش تورم است.

این مقام مرکز پژوهش‌های مجلس همچنین از رشد بی‌سابقه نرخ نکول وام‌ها در آمریکا و جهش نرخ بهره ۱۰ ساله به حدود ۴/۶ درصد سخن می‌گوید؛ نرخی که حتی از خط قرمز همیشگی ترامپ نیز عبور کرده است. به گفته او، رکوردزنی نرخ‌های بهره در ژاپن و اروپا، در کنار افزایش فروش اوراق قرضه آمریکا توسط دارندگان بزرگ این اوراق، از جمله ژاپن با هزار و ۲۰۰ میلیارد دلار، می‌تواند اثرات دومینویی و هزینه‌های جدیدی را به اقتصاد آمریکا تحمیل کند.

وی تأکید می‌کند: فشار بسته‌شدن تنگه هرمز بر اقتصاد جهان و آمریکا مسیر بالقوه تصاعدی را می‌پیماید، هرچند ایران نیز هزینه‌های خود را متحمل می‌شود. با این حال، اواصل این مواجهه را «جنگ تاب‌آوری» می‌نامد و معتقد است پیروزی از آن ملتی است که توان تاب‌آوری بیشتری داشته باشد، نه صرفاً کشوری با اقتصاد بزرگ‌تر یا قدرت سیاسی بیشتر.

بنی طبا با تمجید از همراهی مردم طی این مدت، راه عبور از این شرایط را در گفت‌وگو شفاف با مردم و مشارکت دادن آن‌ها در تصمیمات سخت می‌داند و خاطر نشان می‌کند: باید درباره آسیب‌های حوزه انرژی از گاز و بنزین تا برق و سایر فراورده‌ها صادقانه با جامعه صحبت کرد تا بتوان با اتکا به همراهی مردمی، از این مرحله عبور کرد.

این وضعیت بحرانی در عرصه انرژی و بازارهای مالی در کنار مسائلی که ایران سال‌ها با آن مواجه بوده مانند تحریم‌ها از سمت خارج و سوءمدیریت‌ها در داخل، زمینه‌ساز برای تغییرات اساسی در رویکرد تجارت خارجی فراهم کرده؛ جایی که توجه به امنیت اقتصادی و تغییر مسیرهای تجاری به یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده است.

درهم آمیختگی سیاست‌های حمایتی با سیاست‌های تأمین اجتماعی، ارزی و انرژی است. وی تأکید می‌کند: پس از جنگ، با اتکا به حمایت و همراهی مردم، باید کشور را از ریل سیاست‌های نادرست گذشته خارج کرد و اصلاحات سخت اما ضروری را در فضایی مبتنی بر گفت‌وگو و مفاهیم اجتماعی پیش برد؛ زیرا ادامه‌ندان اصلاحات، یعنی تداوم همین وضعیت کسری بودجه، تورم، رشد نقدینگی و برداشت‌های سنگین صندوق‌ها از نظام بانکی، وضعیتی که به گفته او برای هیچ‌کس قابل تداوم نیست.

هم‌زمان با فشارهای داخلی ناشی از کوتاهی‌های ساختاری، بنی طبا به بررسی ابعاد دیگر بحران‌های ارزی و انرژی می‌پردازد که نشان از انتهای دوره تحلیل‌های نادرست گذشته دارد.

**درآمدهای هزار میلیارد دلاری؛ از ایده تا عمل**

وی در پاسخ به نگرانی‌ها در خصوص شکل‌گیری ذهنیت‌های غیرواقعی بنانه نسبت به درآمدهای پسا جنگ و احتمال گشایش‌های ارزی، تصریح می‌کند: نباید با ارقام اغراق‌آمیز، افکار عمومی را دچار خوش‌بینی کاذب و مسیر اصلاحات را متوقف کرد. اگرچه درآمدهایی از محل مدیریت تنگه هرمز متصور است، اما اولویت اصلی این تنگه نه درآمدهای، بلکه ایجاد یک ابزار بازدارنده برای خنثی‌سازی تحریم‌هاست. به گفته او، با تثبیت مدیریت جمهوری اسلامی بر این گلوگاه، جهان ناچار خواهد شد برای عبور امن، رفتار خود را تغییر دهد و دیگر امکان بلوکه کردن دارایی‌های ایران وجود نخواهد داشت. بنی طبا درآمد احتمالی و مستمر از این مسیر را حدود ۱۰ میلیارد دلار در سال برآورد می‌کند و آن را با ارقام ۶ میلیارد دلاری بلوک‌شده در قطر مقایسه کرده و تأکید می‌کند این منبع، به مراتب قابل‌اتکاتر است. با این حال، او تصریح می‌کند این دستاوردها باید در کنار خسارت‌های سنگین تراز ارزی امسال دیده شود و کشور در شرایط فعلی، بیش از هر زمان دیگری به همراهی مردم نیاز دارد.

وی در بخش دوم راهکارها، اصلاح مصرف انرژی را به عنوان تنگه معرفی می‌کند و توضیح می‌دهد: با اصلاح مصرف گاز، برق، بنزین و گازوئیل (شامل مقابله با قاچاق سوخت، تغییر ترکیب صنعتی و کاهش ۱۵ درصدی مصرف خانگی) می‌توانیم دستاوردی معادل ۱۰ میلیارد دلار درآمد سالانه تنگه هرمز را از میان داشته‌های خودمان داشته باشیم.

به تعبیری بنی طبا، اگر این صرفه‌جویی رقم نخورد، منابع ارزی کشور صرف واردات گران‌قیمت‌بنزین می‌شود که مستقیم از گلوئی تولید ملی زده خواهد شد. در مقابل، این صرفه‌جویی می‌تواند هم‌زمان

بانک مرکزی، وزارت اقتصاد، گمرک، وزارت راه و بخش فروش نفت باید به یک‌راه عمل مشترک برسند؛ در غیر این صورت، مشکلاتی مانند عدم تخصیص ارز، کمبود واگن، نبود کشتی یا اختلال در حمل‌ونقل تکرار شده و عملاً تجارت به نتیجه نمی‌رسد. به گفته معاون دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، عبور از این وضعیت و بهره‌برداری حداکثری از مسیرهای جایگزین، نیازمند یک هماهنگی معطوف به نتیجه در ساختار بروکرسی است؛ مسیری که به گفته او آغاز شده اما هنوز تا رسیدن به وضعیت مطلوب فاصله دارد.

هم‌زمان با تغییرات در سیاست‌های بین‌المللی، فشارهای اقتصادی داخلی نیز به وضوح احساس می‌شود. فشارهایی که به گمان عموم مردم از اثرات جنگ اخیر است، اما پشت‌پرده این مشکلات به سیاست‌های قدیمی اقتصادی برمی‌گردد که امروز ظرف تحمل آن‌ها پر شده و در حال رسیدن به بحران هستند. یکی از آن بحران‌های ساختاری، در حوزه تأمین اجتماعی نمود پیدا کرده که نمونه‌ها باز این مسئله است.

**ناترازی صندوق‌های بازنشستگی؛ بحران سریز به بودجه و نظام بانکی**

بنی طبا در پاسخ به پرسش قدس درباره فشارهایی که تولید را با مسائل متعددی روبه‌رو کرده است تا حدی که نگرانی‌هایی از تعطیلی واحدها و تعدیل نیرو و ارتباط آن با جنگ اخیر به وجود آمده، می‌گوید: پیش از جنگ نیز اقتصاد ایران با بحران‌های متعددی روبه‌رو بوده که بسیاری از آن‌ها به نقاط حساس رسیده‌اند و کنار گذاشتن اصلاحات به بهانه‌های مختلف، این مشکلات را نه تنها حل نکرده بلکه شدت بخشیده است. او یکی از مهم‌ترین این بحران‌ها را ناترازی مزمن صندوق‌های بازنشستگی می‌داند که نتیجه سه سال هاسیاست‌گذاری غلط است و می‌افزاید: از تخفیف سن بازنشستگی و مرخصی‌های ویژه گرفته تا بیمه‌کردن گروه‌هایی بدون دریافت حق بیمه، سیاست‌هایی بودند که بارهای مالی سنگینی را بدون تأمین منابع پایدار بر صندوق‌ها تحمیل کردند.

بنی طبا تأکید می‌کند: اصلاح این وضع تنها با حذف تعهدات غیرقابل تأمین و افزایش سن بازنشستگی ممکن است؛ اقدامی که گرچه در برنامه هفتم توسعه با نسیب بسیار ملایم برداشته شد، اما به هیچ‌وجه رافع مسئله نیست. رئیس دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس برای نشان دادن ابعاد بحران، مثال‌هایی از دریافت مستمری چند دهه‌ساله در برابر دوران بیمه‌پردازی بسیار کوتاه می‌آورد و توضیح می‌دهد: ریشه مسئله،

**امنیت اقتصادی در تجارت خارجی؛ فعال‌سازی همسایگان و مسیرریلی چین**

رئیس دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، در پاسخ به پرسشی درباره امکان توسعه تجارت با چین و کشورهای همسایه در شرایط محدودیت تنگه هرمز، با ترسیم یک تصویر کلان از تحولات اقتصاد جهانی تأکید می‌کند جهان پس از کرونا و جنگ اوکراین از الگوی «زنجیره‌های ارزش جهانی (GVC)» فاصله گرفته و به سمت الگوهای مبتنی بر «امنیت اقتصادی» مانند «نزدیک‌سازی (Near-shoring)» و «دوست‌سازی (Friend-shoring)» حرکت کرده؛ روندی که به تعبیر او، نشانه‌های از پایان نسبی جهانی سازی و حرکت به سمت «چندپارگی اقتصاد جهانی» است.

به گفته بنی طبا، این تغییر پارادایم که حتی در گزارش‌های نهادهایی مانند صندوق بین‌المللی پول نیز بازتاب یافته، ریشه در کاهش تاب‌آوری زنجیره‌های تأمین دارد؛ موضوعی که در اختلال تأمین قطعات صنعتی در دوران کرونا و پس از آن جنگ اوکراین به‌وضوح نمایان شد. او با اشاره به اینکه این رویکرد در ایران نیز ذیل مفهوم «اقتصاد مقاومتی» سال‌ها مطرح بوده اما کمتر به آن عمل شده می‌گوید: جنگ فعلی فرصتی برای جبران این عقب‌ماندگی فراهم کرده است؛ از جمله در اصلاح مسیرهای تجاری که پیش‌تر مبتنی بر فروش نفت به چین، تبدیل منابع به درآمدها و تأمین کالا از مسیرهای تحت نظارت تحریمی بود.

رئیس دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس با انتقاد از تداوم این الگو، بر ضرورت جایگزینی آن با ظرفیت‌های منطقه‌ای تأکید می‌کند و کشورهای آسیای میانه و پاکستان را دارای توان بی‌نظیر در تأمین بخش قابل توجهی از نیازهای وارداتی کشور می‌داند؛ ظرفیتی که به گفته او سال‌ها مورد تأکید قرار گرفته اما هنوز به‌طور کامل فعال نشده است. وی در حوزه فروش نفت و ابزارهای مالی نیز، با اشاره به هشدارهای پیشین درباره ناایمن بودن مسیرهای فعلی و وابستگی به درآمدها، بر ضرورت حرکت به سمت الگوهای جایگزین و ایمن‌تر تأکید می‌کند و این مقطع را فرصتی برای شکستن محاصره تجاری می‌داند.

در بخش لجستیک، او به مسیرریلی چین اشاره کرده و می‌گوید: در طول جنگ تنها چهار قطار از این مسیر به سمت ایران حرکت کرده که نخستین آن به تازگی وارد کشور شده است، در حالی که ظرفیت افزایش به چند قطار در روز و انتقال بخش مهمی از کالاها، به‌ویژه مواد اولیه، وجود دارد. با این حال، وی تحقق این ظرفیت را نه صرفاً در گرو دیپلماسی، بلکه وابسته به هماهنگی میان دستگاهی می‌داند و می‌افزاید: در مدل جدید، وزارت خارجه،

فشار بر نرخ ارز را کاهش داده، منابع ارزی تولید را تأمین کند و تاب‌آوری کل اقتصاد را افزایش دهد. او در نهایت تأکید می‌کند: اگر در مذاکرات آزادسازی منابع نیز به نتیجه‌ای برسیم، این ابزارها تنها در کنار اصلاحات درونی مصرف انرژی معنای پاینده و راهکار اصلی برون‌رفت از فشارهای فعلی، همین اقدام‌های سخت اما ضروری است. به این ترتیب، با نگاهی به داخل دیگر نیازی به منبع جدید نیست و تاکنون سوءمدیریت بیشتر از کمبود منابع مالی، به کشور ضربه زده است.

در ادامه، بنی طبا به نقد سیاست‌های گذشته می‌پردازد و نشان می‌دهد سیاست‌های تثبیت نرخ ارز چگونه بستر مشکلات جدید اقتصادی را فراهم کرده‌اند.

**نقد تثبیت نرخ ارز؛ سرکوب تولید و بحران سرمایه در گردش**

محمد مهدی بنی طبا، رئیس دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، در پاسخ به پرسشی درباره آخرین اصلاح اساسی که در سیاست‌های اقتصادی کشور انجام شد یعنی اصلاح نرخ ارز و پس از آن ایجاد تبعات شوک‌های ارزی بر سرمایه در گردش تولیدکنندگان و چرایی ناتوانی شبکه بانکی در مدیریت این جراحی اقتصادی، بر یک اصل کلیدی تأکید می‌کند: بزرگ‌ترین ضربه به اقتصاد ایران شوک‌درمانی‌ها، بلکه سیاست‌های مکرر تثبیت نرخ ارز بوده است.

وی با انتقاد از تخصیص ارز در تالار اول که عملاً یارانه‌ای بود که از جیب صادرکننده به واردکننده پرداخت می‌شد، آن را خلاف عقل سلیم و تجربیات جهانی می‌داند. به گفته بنی طبا، این رویه چه پیش و چه پس از انقلاب با سرکوب نرخ ارز حقیقی، موجب شده ساختار صنعت ایران به سمت مونتاژ محوری و وابستگی به واردات سوق یابد؛ ساختاری که در زمان بحران، به شدت غیر تاب‌آور و شکننده عمل می‌کند.

او تأکید می‌کند که تصمیم اخیر برای اصلاح نرخ ارز، از منظر امنیت اقتصادی تصمیمی درست بود، اما بزرگ‌ترین نقطه ضعف آن می‌تواند عدم استمرار و ثبات در تصمیم باشد. معاون دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس تصریح می‌کند: هر بار با هدف حمایت ظاهری از مصرف‌کننده، مسیر تثبیت مصنوعی قیمت‌ها را در پیش می‌گیریم، در واقع بستر وقوع شوک‌های بزرگ‌تر در آینده را فراهم می‌کنیم؛ چراکه تثبیت قیمت‌ها اجازه نمی‌دهد قیمت‌های نسبی، اخلاص‌های موجود در اقتصاد را اصلاح کنند.

او در خصوص نگرانی تولیدکنندگان درباره سرمایه در گردش پس از افزایش هزینه‌ها، توضیح می‌دهد: اگرچه دولت برای کاهش درد این جراحی، رقمی معادل ۷۰۰ همت برای تأمین مالی در نظر گرفته بود، اما در مرحله اجرا با ناکارآمدی مواجه شد. به گفته وی، چون اختیار این تخصیص به بانک‌ها و گذار شد، نظام بانکی به جای حمایت از بخش تولید صنعتی، منابع را عمدتاً به سمت مشتریان سنتی خود و تأمین کالاهای اساسی سوق داد و سهم صنایع مولد از این تسهیلات کمتر از انتظار بود.

بنی طبا در نهایت تأکید می‌کند: این فشارها، اثرات سطحی و مرحله‌ای بر قیمت‌هاست و نباید با تغییرات رشدی اشتباه گرفته شود، اما این وضعیت نشان می‌دهد بدون انضباط در تخصیص منابع بانکی، فشار بر بخش تولید و تأمین سرمایه در گردش همچنان به عنوان یک گره‌باز شده باقی می‌ماند.

بنی طبا، معاون دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد در شرایط کنونی که جهان در حال جنگ بر سر بقای اقتصاد خود پس از بسته شدن تنگه هرمز است، تاب‌آوری ایران به مراتب بالاتر است و به مدیریت صحیح و دقیق بستگی دارد. هم ارتباطات بین‌المللی و هم ساختارهای داخلی نیازمند بازنگری و اصلاحات جامع هستند. همه این موضوعات به یک راستا اشاره دارند: تنها در صورتی که سال گذشته از این محل خریداری شدند که هم به‌صورت درونی اصلاحات جدی انجام شود و هم با مشارکت مردم، برطرف شدن نقاط ضعف ساختاری به‌طور هماهنگ دنبال شود. این رویکرد، مسیر تاب‌آوری کشور را در مقابل تحریم‌ها و چالش‌های جهانی هموارتر می‌کند.

**گزارش**

## رتبه اول شهرداری مشهد در جذب و انتشار اوراق مشارکت در سطح کشور

۵۰۰ میلیارد برای ساماندهی بافت فرسوده اطراف حرم مطهر رضوی، هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان برای خرید اتوبوس، ۹ هزار میلیارد تومان برای توسعه قطار شهری، هزار و ۳۵۰ میلیارد برای تصفیه‌خانه آزادی و پرکنندآباد، هزار و ۵۰۰ میلیارد برای ماشین‌آلات عمران و پسماند، هزار و ۵۰۰ میلیارد برای ساخت کارخانه زباله‌سوز و کمیوست و هزار میلیارد تومان برای زیرساخت‌های آتش‌نشانی هزینه می‌شود. وی با بیان اینکه انتشار اوراق مشارکت برای مجموعه‌هایی که تفکر اقتصادی داشته باشند بسیار تا پایان سال قیمت آن‌ها دو برابر شد و همچنین از طریق همین اوراق مشارکت، سال گذشته فاز یک خط سه قطار شهری که مسیری بسیار مهم برای راه‌آهن امام رضا(ع) و شهروندان است به بهره‌برداری رسید و حتی بنا داریم ناوگان خط یک قطار شهری که ۱۴ سال است با همین واگن‌های فعلی فعالیت می‌کنند را نوسازی کنیم.

محمدی مقدم افزود: در ۶ دوره مدیریت شهری مشهد در مجموع ۴۳ هزار میلیارد تومان منابع مالی از محل اوراق مشارکت صورت گرفته که ۳۵ هزار میلیارد تومان آن در دوره ششم بوده و تنها ۸ هزار میلیارد تومان آن در پنج دوره قبلی صورت گرفته است و نخستین بار نیز در سال ۸۴ برای توسعه میدان شهدا انتشار این اوراق آغاز و در ادامه بازسازی بافت فرسوده اطراف حرم مطهر رضوی، خرید اتوبوس، توسعه خطوط قطار شهری، خرید ماشین‌آلات حوزه پسماند، ماشین‌های مرتبط با حوزه‌های عمرانی، توسعه زیرساخت‌های شهری و جداسازی آب شرب از غیرشرب نیز به این محل مصرف این اوراق مشارکت اضافه شد. معاون اقتصادی شهردار مشهد ادامه داد: از بودجه ۱۰۰ همتی شهرداری در سال جاری ۳۲ همت آن مربوط به معاونت اقتصادی است که به ترتیب مهم‌ترین اولویت‌های ما امسال فروش اوراق مشارکت، تسویه مطالبات بانک‌ها و سپس اجرای پروژه‌های غیرنقد است.



خود را تغییر دهیم که با رایزنی‌های فراوان و پشتیبانی‌های مهندس قلندر شریف شهردار مشهد، حجت‌الاسلام پرمیان در نماینده مردم مشهد در مجلس شورای اسلامی و خواجه‌نائینی معاون رئیس بانک مرکزی موفق شدیم بانک تجارت را به عنوان ضمانت اوراق مشارکت شهرداری مشهد انتخاب کنیم و در ساعت ۲۳ و ۵۸ دقیقه و ۳۱ ثانیه اردیبهشت بارگذاری داده‌ها را انجام دهیم. محمدی مقدم در خصوص نحوه مصرف این اوراق نیز بیان کرد: از محل انتشار این اوراق در سال جاری

**رضا طلیبی** | معاون شهردار و رئیس سازمان اقتصادی سرمایه‌گذاری و مشارکت‌های مردمی شهرداری مشهد از انتشار بی‌سابقه اوراق مشارکت توسط این مجموعه و کسب رتبه اول کشور در این زمینه خبر داد.

محمد هادی محمدی مقدم در گفت‌وگو با قدس با بیان اینکه بیش از ۱۶۵ هزار میلیارد ریال اوراق مشارکت توسط شهرداری مشهد در سال جاری منتشر شد، اظهار کرد: انتشار این اوراق در شرایط فعلی جامعه رویداد بسیار مهمی بود که با همکاری شهردار مشهد، رئیس و اعضای شورای اسلامی و بانک شهر به ثمر نشست و این نوید را به شهروندان و زائران امام رضا(ع) می‌دهیم که مشهد مقدس توانسته است امسال نیز رتبه اول خود در جذب و انتشار اوراق مشارکت در سطح کشور که سال گذشته رخ داد را تکرار کند به طوری که تهران پس از مشهد و در رتبه دوم این موضوع قرار دارد. وی ادامه داد: مجلس شورای اسلامی در هر سال و در بودجه دولت میزان معینی از اوراق مشارکت را به شهرداری‌ها تخصیص می‌دهد که بخش زیادی از آن شامل اوراق ۵۰ درصدی و بخشی دیگر نیز اوراق ۱۰۰ درصدی را دربر می‌گیرد که دوره بازپرداخت این اوراق چهار ساله و محل مصرف این اوراق در مصوبه مجلس به‌طور شفاف تعیین شده است.

رئیس سازمان اقتصادی سرمایه‌گذاری و مشارکت‌های مردمی شهرداری مشهد با اشاره به اینکه امسال نیز بانک شهر ضامن شهرداری مشهد برای انتشار اوراق بود، خاطر نشان کرد: با توجه به جنگ رمضان در انتشار این اوراق تغییراتی صورت گرفت به طوری که زمان آن از پایان اسفند سال ۱۴۰۴ به پایان اردیبهشت ۱۴۰۵ موکول شد، اما در اتفاقی عجیب و دو روز مانده به پایان زمان انتشار اوراق، کمیته اعتباری بانک مرکزی تشکیل جلسه داد و بابت عاملیت و ضمانت اوراق ۱۰۰ درصدی از شهرداری مشهد خواست بانک جایگزین معرفی کند و ما تنها دو روز فرصت داشتیم بانک